

بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب «شازده حمام»

*دکتر مهدی محسنیان‌راد

استاد گروه ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)

مرضیه نگهبان مروی

دانشجو دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کاشان

(تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۴ تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲)

چکیده

سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار از مسائل مهم جامعه امروز است که در خاطره نوشته‌ها هم امکان بازتاب می‌یابد. کتاب خاطرات «شازده حمام» اثر روایی دکتر محمدحسین پاپلی یزدی است که به بازتاب واقعیت‌های جامعه امروز (۱۳۲۷ تا ۱۳۹۳) می‌پردازد و از ظرفیت پژوهشی قابل توجهی در زمینه نشان دادن سنت، مدرنیته و شرایط جامعه در حال گذار ایران برخوردار است. در این مقاله که به روش تلفیقی تحلیل محتوای کمی و کیفی انجام شده است، پرسش‌های تحقیق به دو شکل روایتی و عددی ارائه شده است. این روش به کمک نرم‌افزار «ام. آر. پی» انجام گردید. در این جستار ابتدا مفاهیم سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار تبیین شد و سپس مسأله اصلی پژوهش (ارائه شواهدی از سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار) بیان می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که سنت، مدرنیته و بیان شرایط جوامع در حال گذار در کتاب شازده حمام بیش‌ترین بسامد را دارد.

واژگان کلیدی: سنت، مدرنیته، شرایط جوامع در حال گذار، شازده حمام، محمدحسین پاپلی یزدی.

۱. مقدمه

ادبیات می‌تواند به عنوان یکی از منابع فراهم آورنده امکان درک واقعیت، یا به عبارتی یکی از سازندگان واقعیت مطرح باشد؛ از این‌رو ادبیات همچون منبعی در اختیار محقق اجتماعی قرار می‌گیرد تا از طریق آن امکان دستیابی به واقعیت ساخته‌شده اجتماعی فراهم شود. به بیان ساده، ادبیات می‌تواند منبع شناخت جامعه قرار گیرد، اما نه به این دلیل که واقعیت جامعه در ادبیات بازتاب می‌یابد.

این نحوه نگرش در خصوص نسبت رسانه‌ها و واقعیت، ناشی از تحوّل در برداشت از زبان است که تحت عنوان «چرخش زبان‌شناختی» در غرب رخ داده است. در این برداشت جدید، زبان نه امری شفاف برای انعکاس معنا و واقعیت که سازنده واقعیت و معنا است. در این نگاه رسانه‌ها همچون آینه برای انعکاس واقعیت عمل نمی‌کنند، بلکه برساخت اجتماعی واقعیت تأثیر می‌گذارند. (مهدی زاده، ۱۳۸۷: ۳۱) از میان گونه‌های ادبی متفاوت، رمان قابلیت بیشتری دارد، چراکه رمان، ژانر ادبی جامعه مدرن است که با رشد فردیت نسبت مستقیم دارد (وات، ۱۳۷۹: ۷۰). علاوه بر آن، از آنجا که «روایت» ابزار اصلی ما برای درک وقایع است، رمان نسبت به سایر گونه‌های ادبی، تأثیر بیش‌تری بر درک افراد از پیرامون خود می‌گذارد. حال این‌که اثر مورد پژوهش ما رمان واقعیت یا خاطره است، که عینیت بسیار دارد.

کتاب خاطرات شازده حمام از استقبال مخاطبان بسیاری برخوردار شده و تاکنون^۱ - در بیش از هفتاد هزار نسخه - به چاپ سی‌ام رسیده است. البته به گفته خود نویسنده تعداد خوانندگان از شمارگان بیشتر بوده است. «همان‌طور که در ابتدای جلد سوم این کتاب نیز نوشتم، روزی خانمی با من تماس گرفت و گفت من سی و هشتمین فردی هستم که در میان فامیل‌هایمان به مطالعه این کتاب پرداخته‌ام. به نظر می‌رسد تعداد خوانندگان این کتاب بیشتر از شمارگان این کتاب است.» (ایبنا، ۱۳۹۳: ۱) این تعداد با توجه به سال‌های کم از شروع انتشار تا به امروز،

۱. ۱۳۹۷/۳/۱

وضعیت فعلی کتاب‌خوانی و زیادی تعداد صفحات، کاملاً قابل توجه است. استقبال مخاطب از چنین اثری اهمیت بررسی را بیشتر می‌کند چراکه می‌توان فرض کرد مخاطبان این اثر دغدغه‌هایی مشابه مسائل مطرح شده روایت را دارند و اثر توانسته به نحو مقبولی به دغدغه‌های مخاطب بپردازد. این مقاله با بررسی مفاهیم سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در سه جلد از کتاب شازده حمام، شواهد این مفاهیم را در متن به صورت کمی و کیفی بیان می‌کند.

پیشینه تحقیق

بررسی‌های به عمل آمده و جستجو در چندین کتابخانه و اینترنت نشان داد که تاکنون پژوهشی با عنوان «بررسی و تحلیل سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در کتاب شازده حمام» صورت نگرفته است؛ اما از نمونه‌های مشابه می‌توان به مقاله «ادبیات داستانی و سرنوشت جامعه‌شناسی در ایران» تقی آزاد ارمکی و شهرام پرستش در نامه علوم اجتماعی اشاره کرد. این مقاله علمی-پژوهشی مدرنیته را در آثار داستان‌نویسان ایرانی (صادق هدایت، جلال آل احمد، دولت‌آبادی و علی‌اشرف درویشیان) بررسی کرده است. نویسندگان این مقاله معتقدند روند مدرنیته در ایران عینی بوده است نه ذهنی؛ بنابراین مدرنیته تنها در لایه‌های سطحی جامعه اتفاق افتاده و پایه‌های مستحکمی نداشته است.

حسین هاجری در مقاله «نمود مدرنیسم در رمان فارسی» به بررسی مدرنیسم در رمان فارسی طی سال‌های ۱۳۵۸ تا ۱۳۷۸ پرداخته است. به عقیده نگارنده در سال‌های اوایل انقلاب به دلیل شور انقلابی مفاهیم مدرنیسم حضور کمتری در رمان دارد، اما در سال‌های بعد سیر صعودی داشته و بیش‌تر در قالب نقد مفاهیم انقلابی، منعکس است.

زینب حاجتی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بازنمایی تجربه زنان از جهان اجتماعی رمان (تحلیل جامعه‌شناسانه ۵ رمان پر فروش دهه اخیر ۱۳۸۵-۱۳۷۵)» به درک مسائل و دغدغه زنان این رمان‌ها و نیز چگونگی بازنمایی تجربه‌های آنان پرداخته است. روش این پژوهش، کیفی و بر

پایه نظریه‌مبنایی است، به این معنا که برخلاف روش‌هایی که تأکید آنها بر اثبات فرضیه و قضایای نظری است، تأکید این روش بر تولید نظریه است. فرضیه این پژوهش پس از کدگذاری سه مرحله‌ای رمان‌ها، با به دست آوردن مفاهیم و مقولات مرتبط با سؤال‌های پژوهش و بررسی شرایط، زمینه‌ها، راه‌کارهای کنش و نتایج آن‌ها شکل گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد زنان این رمان‌ها دچار مسائل و دغدغه روزمرگی، ناخوشنودی از زندگی زناشویی، تضاد، تنهایی، گم‌گشتگی، حسرت، ناتوانی، نبود اعتمادبه‌نفس، توجه به گذشته و ناامیدی از آینده، نگرانی و احساس ترس و ناامنی هستند و به دلیل روبه‌رو شدن با پدیده «هویت ناموجه ذهنی»، در حال بازاندیشی همیشگی به سر می‌برند.

فاطمه اسحاق آبادی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «سنت و مدرنیته در رمان‌های احمد محمود» نشان می‌دهد که احمد محمود در داستان‌هایش با غلبه سنت‌های فرهنگی که مهمترین عناصر تأثیرگذار در جامعه هستند به مخالفت می‌پردازد اما به عنوان نویسنده‌ای واقع‌گرا این حقیقت را پذیرفته که مردم یک جامعه سنتی با عقاید خود زندگی می‌کنند. او با نگاهی مدرن به نقد سنت‌های ایرانی می‌پردازد اما قدرت مقابله با آنها را ندارد.

روش تحقیق

برای انجام این پژوهش از یک روش تحقیق تلفیقی در تحلیل محتوا استفاده شده که آن را «تحلیل محتوای عمقی» نامیده‌اند. (محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۶۹) روش‌های تحقیق مختلط یا تلفیقی که به عنوان سومین رویکرد روش‌شناسی مطرح شده، شیوه‌ای است که محققان با استفاده از هر دو رویکرد کمی و کیفی به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها پرداخته، یافته‌ها را یکپارچه می‌کنند و استنتاج‌های خود را بر اساس برداشت‌های حاصل از دو روش کمی و کیفی در قالب یک مطالعه یا یک روش تحقیقاتی ارائه می‌دهند (تدلی، ۲۰۰۹، به نقل از محسنیان راد، ۱۳۹۱)

مقصود از «عمقی» نیز همان است که آدریان هالیدی هنگام مقایسه دو پارادایم تحقیق کیفی و کمی به آن اشاره کرده و گفته است در تحقیق کیفی «نگاه عمیق» انجام می‌شود (هالیدی، ۲۰۰۹، به نقل از محسنیان راد، ۱۳۹۱: ۶۹) استربرگ درجه این عمق را بر اساس میزان تمرکز بر متن مشخص می‌کند و می‌گوید محققان کیفی ممکن است در سطوح مختلف بر «متن» متمرکز شوند. ساده‌ترین سطح همان شمارش ساده است؛ درحالی‌که سطوح بعدی می‌تواند بر حسب موضوع تحقیق و اهداف آن پیچیده‌تر شود. (استربرگ، ۲۰۰۲، به نقل از محسنیان راد، ۱۳۹۱)

در تحقیقی که این مقاله گزارش آن به حساب می‌آید واحد کدگذاری بر مضمون استوار است. هنگامی که استخراج، بر مضمون متمرکز است، ممکن است در یک محدوده، هیچ گزاره‌ای دیده نشود. در عوض در محدوده‌ای دیگر و با همان مساحت، یک گزاره و یا چند گزاره استخراج شود. (محسنیان راد، ۱۳۹۰: ۱۷۸)

در بازخوانی این کتاب ۱۱۱۸ صفحه‌ای ۴۶۴ گزاره استخراج گردید و سپس فهرستی از همه مضامین سه جلد تنظیم شد که کد نامه‌ای با ۲۴ ردیف مبتنی بر این فهرست‌ها فراهم آمد. در این مقاله به تبیین سه مضمون اصلی این روایت یعنی سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار پرداخته خواهد شد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. سنت

برای واژه سنت، در لغت چندین معنا ذکر شده است، سیره و طریقه، اعم از حسن یا قبیح، طبیعت، وجه و صورت و در مجموع سنت به معنای عادت، طبیعت، طریقه و دوام آمده است؛ بنابراین سنت در اصل لغت به معنای طریق و روش است، اعم از طریقی پسندیده یا ناپسند. برای درک مفهوم سنت، باید عناصر مهم آن را شناخت؛ از مهمترین عناصر سنت که هسته مرکزی آن را تشکیل می‌دهد، مراسم، آیین‌ها و رفتارهای تشریفاتی است. آیین‌ها تا جایی که به صورت مراسمی خاص انجام گیرد، محور هر چیز سنتی است و رفتار سنتی به رفتاری

اشاره دارد که در حوزه‌ای معین تکرار و باز انجام می‌شود. دومین ویژگی سنت، جمعی بودن آن است. جمعی بودن سنت به این موضوع اشاره دارد که الگوهای رفتاری کاملاً فردی در جوامع سنتی وجود ندارد. البته ممکن است کسی دارای آیین‌های شخصی باشد، اما نمی‌توان آنها را سنت دانست. (گیدنز، ۱۳۷۹: ۷۴) سنت اساساً جمعی و اجتماعی است و با ارتباط بین آیین‌های تکراری و باز انجام تشریفات و انجام دادن جمعی آن‌ها کاری صورت می‌گیرد که بدین نحو آن را سنت تعریف می‌کنند. (همان: ۷۵) سومین ویژگی سنت این است که هم نگهبان هستند و هم در درون خود نگهبان‌هایی دارند که کارشان تفسیر و توضیح دادن سنت‌ها است. در نظر عامه تعدادی از افراد هستند که می‌توانند سنت‌ها را تفسیر کنند و نه همه؛ مثلاً کاهن‌ها و کشیش‌ها که معنای محرمانه آیین‌ها و مراسم‌ها را توضیح می‌دهند و ارتباط معنوی با خدا را برای مذاهب تعریف می‌کنند. یکی از مهمترین تفاوت‌هایی که نگهبان سنت با متخصص دارد در این است که متخصص طی گذراندن یک دوره متخصص می‌شود و این امکان برای همگان (افراد عادی و معمولی) وجود دارد. گیدنز وجود تشریفات و رفتارهای رمزآلود را سبب به وجود آمدن بنیادگرایی در دل سنت می‌داند. او بنیادگرایی را، این‌گونه تعریف می‌کند: ساده‌ترین تعریف بنیادگرایی، اساساً امتناع آن از گفتگو است.

بنیادگرایی، بیان و تجلی حقیقت آیین‌های سنت به خالص‌ترین شکل است که اغلب هم تهاجمی است. بنیادگرایی، در واقع بر آموزه‌های بنیادین و بر اعتبار مفاهیم مشخص تأکید می‌کند، اما استفاده از آن نباید محدود به مذهب باشد. موضوع ثابت و قابل توجه در بنیادگرایی، بویژه بنیادگرایی مذهبی، امتناع ورزیدن از ایده تساوی زنان و مردان و دفاع قاطعانه از خانواده سنتی است. این مفهوم بنیادگرایی است، اما در هرکجا که سنت باشد، مشترکاً آماده کارزار می‌شوند. اگر بر این مسأله اصرار ورزید که تنها یک نظر وجود دارد، اگر از گوش دادن به انتقادات امتناع کنید، اگر با خشونت از نظرتان دفاع کنید، در قلمرو آموزه‌های بنیادگرایی قرار دارید.

اصل دیگر بنیادگرایی، امتناع از مرام مدرنیته است، مرامی که می‌گوید هیچ امر مقدّسی وجود ندارد و هر اعتقادی قابل تجدیدنظر است. (همان: ۸۶) چهارمین ویژگی که گیدنز به آن اشاره می‌کند همراه بودن تشریفات و آیین‌های سنتی با احساسات و هیجان است. او بر این نظر است که سنت تسلطی را به همراه دارد که به صورت عرفی با هویت اشخاص درگیر است و هیجانات در آن قرار می‌گیرد. گیدنز بر این اعتقاد است که سنت‌ها از جریان نوسازی دور نمی‌شوند و در یک ارتباط همزیستی درونی با مدرنیته درگیر هستند و در برخی جوانب جامعه، حتی مدرن‌ترین جوامع، ادامه می‌یابند. مدرنیته با همه تلاشی که در مصاف با سنت به کار بسته است، توانسته است حیطه‌های عمومی دموکراسی و اقتصاد را از سنتی بودن، برهاند؛ اما حیطه‌های زندگی شخصی مثل خانواده و مسائل جنسی به شدت سنتی باقی مانده‌اند. حتی یک نسل پیش در جوامع غربی، تقدیری از پیش تعیین شده، نقش زنان را خانه‌داری و مراقبت از بچه‌ها تعیین می‌کرد. نقش مردان هم به همین ترتیب از پیش تعیین شده بود. البته گیدنز در ادامه به این موضوع اشاره می‌کند که امروزه در جوامع غربی حوزه تخصصی نیز به اندازه حوزه عمومی توسعه یافته است و هر زنی از خود در مورد نحوه زندگی و این‌که ازدواج کند یا نه بچه‌دار شود یا نه سؤال می‌پرسد، این‌که دموکراسی توانسته است به واسطه ایجاد بعضی تغییرات، رهایی ساز باشد. چراکه سنت زدایی بخش بالقوه توسعه دموکراسی در جوامع غربی بوده است؛ چون سنت همیشه با قدرت همراه بوده و سنت‌های زندگی روزمره که در جوامع غربی تداوم یافته است بدون شک قدرت پدرسالاری را نه تنها از طرف مرد بر زن، بلکه از طرف اولیا بر بچه‌ها به شدت اعمال می‌کرده است. (همان: ۷۹)

برخورد جامعه‌شناسان با سنت در تمامی این دوره‌ها (دوران مدرنیته کلاسیک، مدرنیته میانی و پست مدرن) با غفلت از شناخت روح حاکم بر آن بوده است. شاید سؤالی پیش آید که منظور از روح حاکم بر سنت (روح حاکم بر مدرنیته) چیست. در جواب باید گفت که سنت‌گرایان دیدگاهی ذات‌گرایانه دارند. به این معنا که سنت با همین ابهام و گوناگونی خود دارای ذاتی است که در مقابل ذات مدرنیته - با تمامی اشکال ظهور آن - قرار می‌گیرد.

(نصر، ۱۳۵۸: ۱۸۲)

سنت ارتباط تنگاتنگی با فرهنگ دارد تا جایی که برخی تعاریف، فرهنگ را به معنای «سنت و آداب اجتماعی» می‌دانند. فرهنگ مجموعه رفتارهایی است که به شکل سینه به سینه از نسلی به نسلی و در حقیقت از جامعه‌ای به جامعه دیگر انتقال پیدا می‌کند. (وثوقی، ۱۳۷۶: ۱۱۸)

۲-۳. مدرنیته

مدرنیته از قرن پانزدهم مورد استفاده قرار گرفت و در قرن هفدهم وارد عرصه منازعات روشنفکری اروپای غربی شد. وجه بارز و آشکار معنای آن چیزی معادل رایج، جاری، مرسوم، متداول یا چیزی دارای خاستگاه و منشأ اخیر و معاصر بود. لیکن بستر و زمینه ظهور و شهرت و اعتبار روزافزون آن بیانگر معنایی به مراتب وسیع‌تر، گسترده و عمیق‌تر از معنای صرفاً فنی آن است: کیفیت یا حالتی دال بر واجد خاستگاه معاصر بودن و به تازگی خلق شدن که ناگهان به صورت موضوعی مورد توجه شدید درآمده بود و ظاهراً اهمیت و اعتبار همه‌جانبه و بدیعی پیدا کرده بود. به هر جهت معنای واژه مدرن به طرز شگفت‌آوری فرار و انگشت نهادن بر آن بسی دشوار است.

انسان مدرن به معنای مورد نظر ما، در اروپا شکل گرفت. انسان اروپایی با توجه به شرایط و گذشته‌اش پای در راهی نهاد که چند قرن بعد به صورت امری جهانی درآمد. امروزه هیچ تمدن و کشوری را نمی‌توان یافت که صور گوناگون دنیای مدرن را در آن نتوان یافت. هم‌زمان با پی‌ریزی بنیان‌های فلسفی و سیاسی مدرنیته در قرن‌های هفده و هجده، بنیان‌های مادی این تمدن نیز ساخته شد. اندیشه‌های فردگرایانه و مدرن‌خردگرایی که نمایندگان آن دکارت و

فلسفه روشنگری بود و نیز فیلسوفان دیگری نظیر کانت، فرانسیس بیکن، ماکیاولی، توماس هابز، جان لاک، روسو، منتسکیو، هگل، نیچه و مارکس این بینان ها را پی افکندند تا تمدنی ساخته شود که اصول آن انسان گرایی، اندیشه پیشرفت، مادی گرایی، عقل گرایی، ویژگی تجربی، برابر طلبی، خردگرایی و احساسات گرایی است. (ملکیان، ۱۳۸۱: ۸۲)

فرهنگ آریانپور واژه مدرنیته را امروزی گری، تجدد، نوگرایی و نوین گرایی به کار برده است و آشوری مدرنیته را مدرن بودن می داند. مدرنیته یعنی خرد باوری و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن عادت های اجتماعی و باورهای سنتی همراه با پشت سر نهادن ارزش ها، حس ها و باورها و در یک کلام شیوه های مادی و فکری زندگی کهن. مدرنیته یک رویکرد عقلانی است و مأمور تجدد، نه طبقه ای خاص است و آیینی ویژه بلکه خرد است. (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۱)

در جامعه ایران واژه های پیشرفت، رشد، توسعه، نوگرایی، تجدد، نوسازی، مدرن بودن، فکر نو داشتن و ... سال هاست بین اندیشمندان و روشنفکران رشته های مختلف به صورت تحلیلی یا مکتبی مورد بحث و گفتگو قرار گرفته است. بحث در مورد توسعه یافتگی جوامع به صورت فراگیر از دهه پنجاه میلادی آغاز و مبنای پیدایش نظریه های توسعه از جمله نوسازی توسعه گردید. اندیشمندان در این دوره بر پایه اندیشه جامعه شناسان کلاسیک نظریه های نوسازی را مطرح کردند. (ازکیا، ۱۳۷۷: ۹۴)

۳-۳. جوامع در حال گذار

«جامعه در حال گذار» مفهومی کلیدی است که تاکنون بیشتر در مباحث توسعه و توسعه نیافتگی از آن بحث شده است. این مفهوم بیانگر ویژگی های یک جامعه در دوره انتقال از یک وضعیتی به وضعیتی دیگر است.

از دید نظریه پردازان مکتب کلاسیک مدرنیزاسیون، جامعه در حال گذار، جامعه ای است که در حال انتقال از چهارچوب «سنت» به «مدرنیته» است. این گروه که به شدت تحت تأثیر اندیشه «تکامل گرایی» قرن نوزدهم قرار دارند، جامعه سنتی را نقطه مقابل جامعه مدرن توصیف

می‌کنند و حرکت از سنت به مدرنیته را امری اجتناب‌ناپذیر می‌دانند. از جمله ویژگی‌های یک جامعه سنتی می‌توان به اندک بودن شهرها، زیاد بودن روستاها، تمایز کامل طبقات اجتماعی، پیوند نزدیک حکومت و دین و عدم وابستگی اقتصادی روستاها به حکومت (داد، ۱۳۶۳: ۷۲ - ۶۷) اشاره کرد.

هنگامی که چهارچوب‌های سنتی حاکم شروع به فروپاشی می‌کنند، جامعه وارد دوره گذار می‌شود. این دوره آمیخته با انواع مشکلات و بحران‌هاست و اگر جامعه بتواند آنها را با موفقیت پشت سر بگذارد، «عصر جدید» آغاز می‌شود. مهمترین بحران‌های این دوره، عبارت است از: بحران هویت، بحران مشروعیت، بحران نفوذ، بحران مشارکت، بحران توزیع و بحران یکپارچگی. در مقابل، اگر جامعه نتواند با این بحران‌ها به خوبی مقابله کند، در همان حالت برزخ می‌ماند و وضعیت «تباهی سیاسی» پدیدار می‌شود. افزایش تنش‌های حاصل از بحران‌های یادشده می‌تواند جامعه در حال گذار را به سوی ناآرامی، منازعه و حتی انقلاب بکشاند.

تمییز ویژگی‌های اساسی جامعه در دو وضعیت سنتی و مدرن می‌تواند درک ما را از مفهوم جامعه در حال گذار ارتقا بخشد. پژوهش‌های متعددی در این مورد انجام شده که از آن میان کتاب «سنت جامعه‌شناختی» رابرت نیسبت اثری شاخص است. وی در این کتاب، آراء و افکار جامعه‌شناسانی چون کنت، مارکس، تونیس، دورکیم و وبر را بررسی می‌کند و توصیفات آنان را از جوامع سنتی و مدرن می‌آورد. این توصیفات نشان می‌دهد که جوامع سنتی و مدرن در پنج مقوله مهم با هم تفاوت دارند. (نیسبت، ۱۹۷۶، به نقل از نبوی، ۱۳۸۹)

جامعه سنتی	جامعه مدرن
جمع‌گرایی	فردگرایی
قدرت	اقتدار

شأن	طبقه
تقدس گرایی	عرفی گرایی
با خود بودن	از خود بیگانگی

نیسبت توضیح می‌دهد وقتی جامعه در حالت گذار قرار گیرد، رگه‌هایی از تمامی این ویژگی‌ها به چشم می‌خورد، اما هیچ‌کدام به طور کامل حاکمیت ندارد؛ به عنوان مثال، نه همچون گذشته جمع‌گرایی برقرار است و نه فردگرایی فراگیر شده است.

انتقادهای فراوانی به این رویکرد و نگاه تحلیلی وارد شده است. از جمله می‌توان به مطالعات گاسفیلد اشاره کرد که کاستی‌های «مدل تک‌خطی توسعه» را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که سنت و مدرنیسم نفی‌کننده یکدیگر نیستند.

مسئله‌ای که نباید فراموش کرد این است که دوران گذار، وضعیت کوتاه مدت و زودگذری نیست؛ به معمول از زمان پیدایش تردید نسبت به چهارچوب حاکم تا زمان فراگیری بحران معنا و درنهایت استقرار وضعیتی جدید، راه درازی در پیش است.

۴. یافته‌ها

شازده حمام داستان زندگی محمدحسین پاپلی یزدی است که با زبانی ساده و عامیانه بیان شده است. حسین یا همان نویسنده، شخصیت اصلی این اثر است که داستان زندگی خود را از سال ۱۳۲۷ روایت می‌کند. پسر یتیم یزدی که با سرپرستی مادرش و حق خوری عموهایش می‌بالد و اکنون استاد بازنشسته دانشگاه است. او تا هجده سالگی در یزد بود و سپس با قبولی در دانشگاه فردوسی عازم مشهد می‌شود، گرچه تحصیلات دکتری خود را در دانشگاه سوربن فرانسه می‌گذراند. وقایع زندگی او و مردم محروم دور و برش همه باهم وقایع جالب و واقعی این اثر را می‌سازند. در این قسمت به شرح یافته‌های حاصل از پژوهش با توجه به جداول به دست آمده می‌پردازیم.

جدول ۴-۱ سهم مضامین سنت، مدرنیته و جامعه در حال گذار به تفکیک ۳ جلد

موضوع: مضامین روایت	کد	جلد اول		جلد دوم		جلد سوم		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱- سنت	۱	۲۶	۱۵،۶	۱۲	۱۰،۳	۲۱	۱۱،۷	۵۹	۱۲،۷
۲- جوامع در حال گذار	۲	۱۷	۱۰،۲	۹	۷،۷	۱۸	۱۰	۴۴	۹،۵
۳- مدرنیته	۳	۱۲	۷،۲	۶	۵،۱	۷	۳،۹	۲۵	۵،۴

جدول ۴-۲ مضامین سنت، مدرنیته و جوامع در حال گذار به تفکیک دو بازه زمانی ۱۳۲۷-۱۳۵۷ و ۱۳۹۲-۱۳۵۷

مضامین روایت	کد	۱۳۲۷-۱۳۵۷		۱۳۹۲-۱۳۵۷		جمع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
۱- سنت	۱	۳۷	۱۲،۷	۲۲	۱۲،۸	۵۹	۱۲،۷
۲- جوامع در حال گذار	۲	۳۳	۱۱،۳	۱۱	۶،۴	۴۴	۹،۵
۳- مدرنیته	۳	۱۴	۴،۸	۱۱	۶،۴	۲۵	۵،۴

جدول ۴-۳ جهت‌گیری مضامین

جمع	بدون جهت‌گیری	با جهت‌گیری مثبت	با جهت‌گیری منفی	سنت	
				تعداد	درصد
۵۹	۲۴	۱۰	۲۵	۲۴	۴۰،۷
۴۴	۱۵	۳	۲۶	۲۶	۱۵
۱۰۰	۳۴،۱	۶،۸	۵۹،۱	۳۴،۱	۳۴،۱
۲۵	۶	۸	۱۱	۱۱	۶
۱۰۰	۲۴	۳۲	۴۴	۲۴	۲۴

جدول ۴-۴ جهت‌گیری مضامین در بازه زمانی ۱۳۲۷-۱۳۵۷

جمع	بدون جهت‌گیری	با جهت‌گیری مثبت	با جهت‌گیری منفی	سنت	
				تعداد	درصد
۳۷	۱۶	۶	۱۵	۱۶	۴۳،۲
۳۳	۱۵	۰	۱۸	۱۸	۱۵
۱۰۰	۴۵،۵	۰	۵۴،۵	۴۵،۵	۴۵،۵
۱۴	۲	۷	۵	۵	۲
۱۰۰	۱۴،۳	۵،۰	۳۵،۷	۱۴،۳	۱۴،۳

جدول ۵-۴ جهت‌گیری مضامین در بازه ۱۳۹۲-۱۳۵۷

جمع	بدون جهت‌گیری	با جهت‌گیری مثبت	با جهت‌گیری منفی		
۲۲	۸	۴	۱۰	تعداد	سنت
۱۰۰	۳۶,۴	۱۸,۲	۴۵,۵	درصد	
۱۱	۰	۳	۸	تعداد	جوامع در حال گذار
۱۰۰	۰	۲۷,۳	۷۲,۷	درصد	
۱۱	۴	۱	۶	تعداد	مدرنیته
۱۰۰	۳۶,۴	۹,۱	۵۴,۵	درصد	

۴-۱ سنت

از بررسی کتاب شازده حمام دریافتیم که سنت پررنگ‌ترین مضمونی است که در این اثر به آن پرداخته شده است و نویسندگان بیش از هر چیز به توصیف یک جامعه سنتی پرداخته است. ۱۳ درصد گزاره‌های استخراجی این اثر مربوط به مضمون سنت است که سهم جلد اول ۱۶، جلد دوم ۱۰ و جلد سوم ۱۲ درصد بوده است. پرداختن به موضوع سنت، در جلد اول: هر ۱۰ صفحه، در جلد دوم: هر ۳۲ صفحه و در جلد سوم: هر ۲۴ صفحه است. اگر پرداخته شدن به مضمون سنت را در قبل و بعد از انقلاب بررسی کنیم، درمی‌یابیم که سنت در قبل از انقلاب ۱۲/۷ درصد و بعد از انقلاب ۱۲/۸ درصد است. با توجه به این که مضمون سنت با حرکت به سال‌های جلو باید کم‌تر شود، اما ما با رشد این مضمون مواجه هستیم. (رشد نزولی)

به طور کلی، رویکرد نویسندگان به مضمون سنت منفی است؛ به گونه‌ای که ۴۳ درصد جهت‌گیری منفی، ۱۷ درصد جهت‌گیری مثبت و ۴۱ درصد بدون جهت‌گیری است. اگر همین جهت‌گیری را در بازه زمانی قبل از انقلاب بررسی کنیم، می‌بینیم که غلبه جهت‌گیری نویسندگان در قبل از انقلاب به سنت خنثی است اما در بعد از انقلاب منفی است. این نشان می‌دهد که از دید نویسندگان مردم به سوی سنت‌های منفی در حال حرکت هستند.

در مشهد در یک نمونه‌گیری مقایسه‌ای بین هزینه مراسم عروسی و مردن که بر روی ۳۵۰ مورد از هر کدام انجام شد، نشان می‌دهد که مخارج مردن ۱/۲۳ مخارج ازدواج است.

(نقل از ج ۱، ص ۱۸۸)

در زمان کودکی من (نویسنده) که در تمام یک محله یک حمام بود و در خانه‌ها اصلاً حمام نبود، حمام مرکز مبادله اطلاعات و کنترل مردم بود و همه خبر همه چیز هم را داشتند و بالأخره آقای پیش‌نماز در صورت لزوم به آن‌ها تذکر می‌داد. (همان، ص ۴۳)

مغازه‌های سردشت کردستان تخصصی نبود و توی آن‌ها همه چیز اعم از محصولات جنگلی و مرتعی، کشاورزی، قند، چای، بیلچه، چراغ الوار، چراغ سه‌فیله‌ای و نفت و گیاهان دارویی مبادله می‌شد. (نقل از ج ۲، ص ۲۴۹)

پاپلی در این کتاب می‌کوشد تا این باور را در مخاطب تقویت کند که آدم‌ها در این دنیا پاداش خیر و شر کار خود را دریافت می‌کنند:

خان‌زاده جوانی که چشم‌های مردی را با گلوله کور کرده بود با زن و بچه‌اش در جاده‌های شمال ایران تصادف کرد و تنها پسرش کشته شد، خودش تمام فلج شد و زنش طلاق گرفت و در آسایشگاهی در تهران نگهداری می‌شود. (نقل از ج ۲، ص ۳۵۴)

مرد متأهلی که پسرهای جوان را به خانه می‌برد و به آنها تجاوز می‌کرد، در ۵۰سالگی در اثر مرض قند درحالی‌که چشمش کور و پایش قطع شده بود، مرد. (نقل از ج ۳، ص ۹۲)

پاپلی به حرف‌های مردم در جامعه سنتی نگاه منفی دارد و می‌نویسد:

پیرزن عشایر شمال خراسان گفت دهان مردم عشایر، که کوچک‌ترین کار خلاف و عرف و سنت را نقد می‌کنند، از مشکلاتی که طبیعت درست می‌کند، بدتر است. (همان، ص ۳۳۶)

غروب‌ها بسیاری از زن‌ها سر کوچه می‌نشستند که این کار چون باعث می‌شد دزد و غریبه در کوچه رفت‌وآمد نکند خوب بود اما چون حرف‌هایی برای مردم درمی‌آوردند، کارشان کمتر از ناامنی نبود. (همان، ص ۱۷)

پاپلی به نبود زباله در جامعه سنتی توجه دارد و می‌نویسد:

هندوانه و خربزه که خورده می‌شد، تخمه‌اش بو داده می‌شد و پوستش را به جای دور ریختن به کسانی که گوسفند داشتند می‌دادند و در نتیجه زباله‌ای نبود. (نقل از ج ۱، ص ۲۱)

در زمان کودکی من (نویسنده) شهرداری سوپوری برای جمع‌آوری زباله‌ها نداشت چون نه شهرداری این کار را وظیفه خود می‌دانست و نه زباله‌ای از قبیل پلاستیک، لاستیک، قوطی کنسرو، کمپوت، شیشه نوشابه و پاکت کاغذی بود و پرتقال و نارنگی هم خیلی کم بود. (نقل از ج ۱، ص ۲۱)

پاپلی در این کتاب سعی دارد که باور کوچکی دنیا و این‌که آدم به آدم می‌رسد را نیز در مخاطب تقویت کند:

من (نویسنده) در سفر به دُبی در سالن ترانزیت به خانمی که کیف سنگینی داشت، کمک کردم و این باعث آشنایی و هم‌صحبتی ما شد و تازه فهمیدم او یکی از آشناهای ۴۰ سال پیش من است. (نقل از ج ۲، ص ۳۷۳)

۲-۴ جامعه در حال گذار

مضمون جامعه در حال گذار ۱۰ درصد این اثر است. به طور متوسط در این اثر، هر ۲۵ صفحه به مضمون جوامع در حال گذار پرداخته شده است که متوسط جلد اول: هر ۱۵ صفحه، در جلد دوم: هر ۴۳ صفحه و در جلد سوم: هر ۲۹ صفحه است؛ به عبارت دیگر، سهم جلد اول و سوم ۱۰ و جلد دوم ۸ درصد است.

پرداختن به موضوع جوامع در حال گذار در قبل از انقلاب (۱۱ درصد) بیشتر از بعد از انقلاب (۶ درصد) است؛ که این به معنای کند شدن سرعت مدرنیته در ایران از دید نویسنده است؛ اما در کل نویسنده وضعیت جوامع در حال گذار را منفی (۶۰ درصد) توصیف می‌کند و وضعیت آن را در سال‌های اخیر (۱۳۹۲-۱۳۵۷) وخیم تر از سال‌های قبل (۱۳۲۷-۱۳۵۷) نشان می‌دهد.

پاپلی دیدگاه زیبایی در مورد فراموش شدن عشق در جوامع در حال گذار دارد و می‌نویسد: من (نویسنده) معتقدم یکی از دلایل عقب‌ماندگی جهان سوم این است که ما ایرانیان عشق را فراموش کرده‌ایم و هیچ کارمان، خصوصاً ازدواج‌هایمان، بر مبنای عشق و علاقه نیست. (نقل از ج ۱، ص ۱۹۵)

پاپلی به شواهدی از تأخر فرهنگی در جامعه در حال گذار اشاره دارد: همراه فناوری ماشین، تصادفش هم به ایران آمد ولی بیمه‌اش به کنده وارد شد چون ما همیشه وقتی فناوری وارد می‌کنیم ده‌ها سال طول می‌کشد تا قوانین اجتماعی و اقتصادی آن را بپذیریم. (نقل از ج ۲، ص ۳۵)

پاپلی به بالای تغییرات در جامعه نفتی ایرانی نیز اشاره دارد و می‌نویسد: در طول مدت ۶ سال، شهر بافق به ۶۰۰ سال تحول پیدا کرده بود و جاده آسفالت، عبور راه‌آهن از کنار جاده، ساختمان، خیابان، مغازه‌ها و غیره دگرگون شده بود. (نقل از ج ۲، ص ۱۶۴)

پاپلی به درهم‌وبرهم بودن تفکرات مردمان کشورهای در حال گذار نیز اشاره دارد و می‌نویسد: در کافه نادری تهران هنوز هم پیرهای ۹۰ ساله توده‌ای قدیم بُرش روسی را با بیفتک آمریکایی پخته شده در تابه چدنی آلمانی می‌خورند و از شرق و غرب عالم بحث می‌کنند. (نقل از ج ۳، ص ۱۷۷)

پاپلی با اشاره‌ای به پوشش یکی از آدم‌های در حال زندگی در جامعه در حال گذار، تصویری از این شرایط ترسیم می‌کند:

بزرگ‌ترین خان عشایر شمال خراسان همیشه کت و شلوار مدرن می‌پوشید اما دستار به سر داشت. (نقل از ج ۳، ص ۲۷۷) او در مورد رفتار مردمان با دنیای مدرن در جامعه در حال گذار ایران می‌نویسد: بسیاری از مردم قوچانی در خیابان راه می‌رفتند چون حرکت در پیاده‌رو را در شأن خود نمی‌دانستند. (نقل از ج ۳، ص ۲۲۳)

وقتی ماشین لباس‌شویی به شهر یزد آمد، زنان پولدار به بهانه این‌که اگر ماشین لباس‌شویی بخریم کلفت‌هایمان بیکار می‌مانند و اصلاً ماشین لباس‌شویی لباس‌ها را از نظر شرعی پاک نمی‌کند، ماشین لباس‌شویی نمی‌خریدند. (نقل از ج ۱، ص ۲۸)

پاپلی به حضور و فشار حکومت برای این گذار شتابان هم اشاره دارد و می‌نویسد:
مدرنیزاسیون در ایران بسیار بطئی و کند انجام می‌گرفت و در اکثر موارد دستگاه‌های دولتی پیشگام بودند. (همان، ص ۱۲۴)

زمین ورزشی دانشگاه فردوسی مشهد، جایی بود که دخترها می‌توانستند با لباس ورزشی دو تکه با پسرها والیبال بازی کنند و در حقیقت این چهاردیواری از نظر اجتماعی و سیاسی با همه شهر مشهد فرق داشت. (نقل از ج ۳، ص ۱۸۳)
او به مشاغل کاذب در این جوامع هم توجه دارد:

در جوامع بدوی جهان سوم، فقط آدم‌هایی که مشاغل غیر تولیدی و نامتعارف دارند در امنیت مالی هستند و غیب‌گویی و رمالی شغل پردرآمد و نان و آبدار بود چون در بین مردم عادی عشایر، فقط وضع زن رمال از بقیه بهتر بود. (همان، ص ۲۷۹)

پاپلی در مورد برخورد مردم در مواجهه با پدیده‌ای مدرن برای اولین بار می‌نویسد:
اولین بار که یک جوان دانشجوی یزدی دکمه آب‌شوی توالت سینما در مشهد را زده بود، فکر کرده بود لوله را ترکانده و بسیار نگران شده بود. (نقل از ج ۱، ص ۱۷۵)
وقتی برای اولین بار موز خریدیم (نویسنده) نمی‌دانستیم چگونه باید آن را پوست کنده و بخوریم، رفیق ما آن را با دست مالید و خواست مانند خیار سبز بخورد که فروشنده به ما یاد داد چطور باید موز خورد. (نقل از ج ۳، ص ۱۷۴)

۳-۴ مدرنیته

این مضمون ۵ درصد گزاره‌ها را دربر گرفته است. سهم جلد اول در آن: ۷ درصد، جلد دوم: ۵ درصد و جلد سوم: ۴ درصد است؛ به بیان دیگر، در جلد اول در هر ۲۱ صفحه، در جلد دوم در هر ۶۴ صفحه و در جلد سوم در هر ۷۴ صفحه به این مضمون برمی‌خوریم. سهم مدرنیته در خاطرات قبل از انقلاب ۵ و در بعد انقلاب ۶ درصد است.
جهت‌گیری پاپلی در مواجهه با مدرنیته در ایران در کل منفی (۴۴ درصد) است. غلبه رویکرد او در قبل از انقلاب مثبت (۵۰ درصد) و در بعد آن منفی (۵۵ درصد) است.

در این اثر به از بین رفتن برخی مشاغل در اثر پدیدار شدن مدرنیته اشاره شده است: یک پسر بچه کلاس چهارم دبستان که پدرش گاوبان حمام بود در انشایش در مورد فایده گاو نوشت: حالا که برق آمده و حمام‌ها پمپ دار می‌شوند، هم گاو و هم گاوبان بی‌کار می‌شوند و بابایم نمی‌داند از کجا پول پیدا کند. (نقل از ج ۱، ص ۱۰۶)

پاپلی که جغرافی دان است در مواجهه با مدرنیته به عوارض مخرب آن بر محیط‌زیست نیز پرداخته است:

بعضی شب‌ها من (نویسنده) و خانواده‌ام پیتزا می‌خوریم که نه سفره می‌خواهد و نه بشقاب؛ و غذا توی ظرف کاغذی است و این صنایع بسته‌بندی و ظرف‌های یک‌بار مصرف همه شهرها را آلوده کرده است. (نقل از ج ۳، ص ۴۰)

اتومبیل، راه‌سازی، بی‌کاری و ناامنی، افزایش جمعیت شهری، فناوری عقب‌مانده منشأ تخریب محیط‌زیست و منابع طبیعی شد. (نقل از ج ۲، ص ۳۰)

البته در این اثر، از پیامدهای جسورانه مدرنیته هم سخن به میان آمده است: هرچه رابطه دخترها و پسرها بازر شود، رابطه پسرها با هم معقول‌تر می‌شود چون قبل از این ماجرا، شهرهای حاشیه کویر هر یک قزوینی بودند. (نقل از جلد ۳، ص ۲۵)

نتیجه

مقاله حاضر با به کارگیری روش تحلیل محتوای عمقی، در پاسخ به این سؤال که چه شواهدی از سنت، مدرنیته و شرایط جوامع در حال گذار در این اثر یافت می‌شود، ما را به این نتیجه رساند که نویسنده در این اثر بیش از هر چیز به توصیف یک جامعه سنتی پرداخته است. جامعه‌ای که بر خلاف انتظار با گذشت زمان رو به سنتی‌تر شدن است. به کلی، رویکرد نویسنده به مضمون سنت منفی است و اگر همین جهت‌گیری را در بازه زمانی قبل از انقلاب بررسی کنیم، می‌بینیم که غلبه جهت‌گیری نویسنده در قبل از انقلاب به سنت خنثی است اما در بعد از انقلاب منفی است. این نشان می‌دهد که از دید نویسنده مردم به سوی سنت‌های منفی در حال حرکت هستند.

این کتاب پس از سنت به ویژگی‌های مردم و جوامع در حال گذار پرداخته که گاه با چاشنی طنز این شرایط را بزرگنمایی کرده است. پرداختن به موضوع جوامع در حال گذار در قبل از انقلاب بیشتر از بعد از انقلاب است؛ که این به معنای کند شدن سرعت مدرنیته در ایران از دید نویسنده است؛ اما در کل نویسنده وضعیت جوامع در حال گذار را منفی توصیف می‌کند و وضعیت آن را در بازه (۱۳۹۲-۱۳۵۷) بدتر از بازه (۱۳۲۷-۱۳۵۷) نشان می‌دهد. مدرنیته نیز در این روایت جایگاه پررنگی دارد اما از نظر نویسنده شرایط مدرنیته واقعی را ندارد. جهت‌گیری پاپلی در مواجهه با مدرنیته در ایران در کل منفی است و انتقادات او به این مفهوم با گذشت زمان بیشتر می‌شود.

کتابنامه

- ۱- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی توسعه، تهران: نشر کلمه.
- ۲- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۴). *خاطرات شازده حمام*، ج ۱، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۳- _____ (۱۳۸۸). *خاطرات شازده حمام*، ج ۲، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۴- _____ (۱۳۹۲). *خاطرات شازده حمام*، ج ۳، مشهد: انتشارات پاپلی.
- ۵- داد، سی اچ (۱۳۶۳). *رشد سیاسی*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: نشر نو.
- ۶- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جهان رهاشده*، چاپ اول، ترجمه علی اصغر سعیدی یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران: علم و ادب.
- ۷- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای عمقی و اجرای آن به‌وسیله نرم افزار ام.آر.پی»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- ۸- _____ (۱۳۹۱). «بررسی و تحلیل ضمانت‌های اجرایی در تورات، انجیل و قرآن کریم» فصلنامه علمی- پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال هشتم، شماره ۲۸.
- ۹- ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). *راهی به رهایی*، چاپ اول، تهران: نگاه معاصر.
- ۱۰- مهدی‌زاده، سید محمد (۱۳۸۷). *رسانه‌ها و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- ۱۱- نبوی، (۱۳۸۹). *فرهنگ و بی‌هنجاری*: الگوی مصرف فرهنگی و تأثیر آن بر مسئله بی‌هنجاری‌ها در کلان‌شهر تهران، جهاد دانشگاهی: پژوهشکده فرهنگ و هنر.
- ۱۲- نصر، سید حسین (۱۳۸۵). «معرفت و معنویت»، ترجمه انشاء الله رحمتی، دفتر کتاب و نشر، سهروردی، شماره ۱۸۲.
- ۱۳- وات، ایان (۱۳۷۹). *پیرایی قصه*، ترجمه ناهید سرمد، چاپ اول، تهران: نیلوفر.
- ۱۴- وثوقی، منصور و نیک خلق، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *مبانی جامعه‌شناسی*، چاپ یازدهم، تهران: خردمند.